یک نکته، یک نظر

عجب آشی!

احمد شیرزاد

ماجرای این لایحه «مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی»، در هفته‌ای که گذشت حکایتی بود برای خودش. این لایحه یک‌دفعه از کجا درآمد؟ چگونه به تصویب دولت رسید، آن‌هم با تقاضای دوفوریت؟ چگونه دوفوریت آن تصویب شد؟ چه شد که دیگر مخالفت‌ها با آن به غلیان درآمد؟ چه شد که دولت قانع شد آن را پس بگیرد؟ و بالاخره سرانجام آن در هفته‌های آینده چه خواهد شد؟ اینها سؤالاتی است که هرکدام به نوبه خود ذهن آدم‌های کنجکاو را برمی‌انگیزاند.

جواب این سؤال‌ها هرچه باشد بعضی از نکات را می‌توان مسجل گرفت، از جمله در اینکه اراده‌ای بسیار قوی در میان جبهه اصولگرا برای آنکه این کار تا حد امکان بدون سروصدا به انجام برسد و بعد هم بشود جزء «مصوباتی» که هیچ کاری نتوان کرد، تردیدی وجود ندارد. من متن لایحه را چند بار از سر تا ته خواندم. خیلی حوصله می‌خواهد. معلوم است کسانی ماه‌ها روی آن کار کرده و نخود و لوبیای آش را از قبل پخته بودند. تا جایی که من برداشت کردم، این جزء آن مصوباتی نیست که کسانی فی‌المجلس حالی به حالی شده و بر اثر احساسات آن را نگاشته باشند. برعکس، یک برنامه نسبتا دقیق و حساب‌شده به قصد کنترل فضای مجازی (به زعم نگارندگان آن) در چارچوب این لایحه ارائه شده است. اینکه در قوه قضائیه چه کسانی و چه بخش‌های درگیر تهیه این لایحه بوده‌اند، خود سؤال و ابهام دیگری است.

اما نکته جالب این است که برخلاف ظاهر قانون پیشنهادی، این متن چندان هم جنبه قضائی و حقوقی ندارد. بیشتر بخش‌های قانون پیشنهادی تکالیفی برای قوه اجرائی کشور به‌ویژه وزارت ارشاد اسلامی است. آیا در جریان تهیه متن قانون فوق وزارت ارشاد دولت پزشکیان هم حضور داشته و نظراتی داده است یا نه؟ خدا می‌داند. اینکه عناصر درگیر در تهیه قانون از معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و وزارت ارشاد اساسا سنخیتی با اهداف و برنامه‌های پزشکیان مظلوم داشته‌اند یا نه، باز هم خدا می‌داند. در ماده ۶ قانون، سیاهه مفصلی از تکالیف جدید برای وزارت ارشاد معرفی شده است. در ماده ۹، وزارت ارشاد مکلف به راه‌اندازی سامانه‌ای برای پایش محتوای خلاف واقع شده است. در ماده ۱۰ همه دستگاه‌های اجرائی مکلف به وظایفی جدید در راستای اهداف این قانون شده‌اند.

من نمی‌گویم هیچ کاری نباید انجام داد و آنچه در بستر فضای مجازی می‌گذرد همه خیر است، نه چنین نیست و قطعا باید اقداماتی در راستای سالم‌سازی نسبی این فضا شود، اما در وهله اول باید به سلطه‌ناپذیری نسبی فضای مجازی واقف بود و در وهله دوم باید اقدامات فنی و اجرائی را که به‌شدت با گذشت زمان در حال تغییر هستند به قوه مجریه سپرد.

آیا بخش‌های مختلف در قوه اجرائیه که در این قانون تکالیفی بر عهده آنان گذاشته شده، می‌دانند چه لایحه‌ای را به مجلس فرستاده‌اند؟ بعید به نظر می‌رسد. فردای تصویب و ابلاغ قانون، تک‌تک همین مدیران «به جرم ترک فعل» باید پاسخ‌گوی سطرسطر محتوای تولیدشده در فضای مجازی باشند. تشخیص این مطلب دشوار نیست که هیچ کمبود قانونی برای مقابله با دروغ‌گویی و نشر اکاذیبی که به حقوق عمومی یا خصوصی افراد تجاوز می‌کنند، وجود ندارد و تا به حال دست قوه قضائیه برای برخورد با تخلفات یا رسیدگی به اتهامات بسته نبوده است. آنچه در این متن شبه‌قانونی دیده می‌شود، صرف‌نظر از محتوا و رویکرد آنها، مجموعه‌ای از شیوه‌نامه‌های اجرائی است که بر فرض خوب‌بودن آنها، باید در عملی‌شدن‌شان تردید کرد. خدایی‌اش عجب آشی برای دولت پختند.

خبر

جانشین فرمانده کل ارتش: در صورت حمله مجدد، کاملا آماده‌تر از گذشته هستیم

جانشین فرمانده کل ارتش با بیان اینکه در جنگ ۱۲روزه پاسخ ما متناسب با عمل دشمن بود، گفت: در صورت حمله مجدد، کاملا آماده‌تر از گذشته هستیم. امیر سرتیپ محمدحسین دادرس، جانشین فرمانده کل ارتش، در گفت‌وگو با ایلنا درباره نقاط ضعف و قوت در جنگ ۱۲روزه گفت: همه این جنگ قوت بود. ما توانستیم در مقابل استکبار جهانی و دشمنان خون‌خواری که کودکان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند، مستحکم بایستیم و از کرده خودشان پشیمان‌شان کنیم. او ادامه داد: ان‌شاءالله شاهد نابودی آنها و ظهور آقا امام زمان(عج) باشیم. جانشین فرمانده کل ارتش درباره اینکه گفته می‌شود در ساعات اولیه جنگ غافلگیر شدیم، گفت: این نشانه آمادگی ما بود که در کوتاه‌ترین زمان هم سازماندهی مجدد انجام شد و هم سیلی ما همان شب اول بر گوش دشمن خورد. امیر دادرس درباره اظهارات برخی از کارشناسان مبنی بر اینکه ما در نیروی هوایی مانند نیروی زمینی و دریایی آمادگی لازم را نداریم، نظر شما در این زمینه چیست، گفت: دشمن فقط یک کشور نبود، بلکه رژیم صهیونیستی، آمریکا و کشورهای اروپایی بودند و یک جبهه متحد داشتند و با تمام توان آمدند و علی‌القاعده توازن قدرت نبود، اما پاسخ ما پاسخی بود که متناسب با عمل دشمن بود. او در پاسخ به این سؤال که آیا آمادگی لازم در صورت حمله مجدد دشمن وجود دارد، گفت: کاملا آماده‌تر از گذشته هستیم.

رد اتهام‌های بی‌اساس آمریکا و چند کشور دیگر غربی علیه ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه اقدام آمریکا، فرانسه و چند کشور دیگر غربی در تکرار اتهام‌های بی‌اساس و مضحک علیه ایران را به عنوان فرافکنی آشکار و تلاش برای انحراف افکار عمومی از مهم‌ترین موضوع روز یعنی نسل‌کشی در فلسطین اشغالی توصیف و محکوم کرد. اسماعیل بقایی با رد اتهام‌های امنیتی مطرح‌شده از سوی این کشورها تصریح کرد: آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای امضاکننده بیانیه ضدایرانی، خود به عنوان حامی و میزبان عناصر و گروه‌های تروریستی و خشونت‌طلب باید پاسخ‌گوی اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل در حمایت از تروریسم باشند. سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین با اشاره به تجاوز نظامی اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و نیز تداوم نسل‌کشی در غزه که با حمایت فعال یا سکوت رضایت‌آمیز کشورهای امضاکننده این بیانیه همراه بوده است، اتهام‌زنی این کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران را دروغ‌پردازی آشکار و فرار رو به جلو خواند که در راستای کارزار شرارت‌آمیز ایران‌هراسی و با هدف اعمال فشار علیه ملت بزرگ ایران طراحی شده است. بقایی تأکید کرد چنین رفتاری ناقض اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد است و کشورهای امضاکننده این بیانیه باید پاسخگوی این رفتار ناشایست و غیرمسئولانه خود باشند.

تحلیل کارشناسان سیاسی و ارتباطات درباره جایگاه صداوسیما در وضعیت فعلی

روایت افول از مرجعیت ملی

دریا وفایی: صداوسیما، به عنوان قدیمی‌ترین و پرهزینه‌ترین رسانه رسمی کشور، در دهه‌های اخیر با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است؛ اما آنچه امروز در نگاه جامعه، نخبگان ارتباطات و حتی سیاست‌مداران دیده می‌شود، نه صرفا نقدهای عملکردی یا فنی، بلکه نوعی نگرانی جدی درباره انحراف ریشه‌ای این سازمان از رسالت «رسانه ملی» است. روندها و تصمیماتی که از نگاه کارشناسان، این سازمان را از مرجعیت رسانه‌ای خارج کرده و آن را به ابزاری برای یک جناح سیاسی یا نهاد خاص بدل کرده است. در جدیدترین نمونه از این وضعیت، گفت‌وگویی سه‌ساعته با حضور سردار احمد وحیدی و سیدعباس عراقچی که از طریق حوزه هنری تولید شده بود، در حالی اجازه پخش بخش مربوط به وزیر امور خارجه را پیدا نکرد که هم‌زمان رسانه‌های بین‌المللی مانند فاکس‌نیوز و بی‌بی‌سی با مقامات ایرانی در حال گفت‌وگو هستند. از این منظر، نه‌تنها سؤالاتی درباره استقلال تحریریه و سیاست‌گذاری رسانه‌ای صداوسیما مطرح است، بلکه افکار عمومی نیز درباره میزان وفاداری این رسانه به مخاطبان خود دچار تردید شده است. در گفت‌وگوی «شرق» با دکتر مجید رضاییان، استاد علوم ارتباطات و پژوهشگر حوزه رسانه و سیدمحمدعلی ابطحی، چهره سیاسی، ابعاد عمیق‌تری از این مسئله واکاوی شده است.

رسانه ملی یا رسانه حزبی؟

دکتر رضاییان در ابتدا بر مفهوم «پذیرش دیگری» به عنوان نخستین شرط رسانه ملی بودن تأکید می‌کند. از دیدگاه او، هیچ رسانه‌ای بدون توان بازتاب‌دادن دیدگاه‌های متفاوت، نمی‌تواند مدعی ملی‌بودن یا مرجعیت شود: «شما زمانی می‌توانید یک رسانه باشید که به نگاه مغایر وفادار باشید؛ یعنی انعکاس نگاه مغایر. رسانه‌ای که فقط دیدگاه موافق یا منتقد را مطرح کند، نمی‌تواند مدعی بی‌طرفی باشد. پذیرش دیگری، به‌ویژه در سیستمی با ساختارهای سیاسی و جناحی متفاوت، اصل حیاتی است». این استاد ارتباطات در ادامه یادآوری می‌کند که وابستگی بودجه‌ای صداوسیما به دولت یا نهادهای حاکمیتی نباید به معنی وابستگی محتوایی آن باشد: «صداوسیما نباید صرفا به نفع یک قوه یا جناح خاص عمل کند. این نقض صریح اصل بی‌طرفی رسانه‌ای است و منجر به ریزش اعتماد عمومی می‌شود. اگر جناحی نیاز به تریبون دارد، می‌تواند رسانه اختصاصی خود را داشته باشد؛ اما صداوسیما باید نماینده کل ملت باشد، نه یک بخش از آن».

ریزش مرجعیت و فروپاشی مخاطب

رضاییان با اشاره به ریزش شدید مخاطبان صداوسیما می‌گوید: «صداوسیما مرجعیت خود را کاملا از دست داده است. این ریزش نه صرفا به خاطر جذابیت رسانه‌های اجتماعی، بلکه به دلیل بی‌اعتمادی عمومی به روایت‌های گزینشی و جانب‌دارانه است». او از این پدیده با تعبیر «آسیب‌پذیری مرجعیت رسانه‌ای» یاد می‌کند و آن را نه یک آسیب فنی، بلکه یک بحران بنیان‌برانداز برای نهادی می‌داند که ادعای ملی‌بودن دارد.

یک‌سویگی در پوشش خبری؛ آفتی مزمن

یکی دیگر از مسائل بنیادی اشاره‌شده رضاییان، نبود توازن در پوشش موضوعات مختلف است:

«در شرایطی که تحولات سیاست خارجی کشور رو به گشایش است، رسانه‌ای مثل صداوسیما یا سکوت می‌کند یا آن را از زاویه‌ای پخش می‌کند که بیشتر به قفل‌شدن فرایند دیپلماسی کمک می‌کند تا تسهیل آن. از سوی دیگر، در مواردی مانند بحران‌های اقتصادی، بزرگ‌نمایی اتفاقات منفی برای تضعیف دولت‌ها به روشی نهادینه تبدیل شده است». رضاییان تأکید می‌کند که چنین رفتاری نه‌تنها خلاف نگاه ملی است، بلکه نشان می‌دهد رسانه مذکور با انگیزه‌های خاص سیاسی به پوشش مسائل می‌پردازد.«وقتی رسانه‌ای فقط به بخشی از اخبار با بزرگ‌نمایی توجه می‌کند و بخش‌های دیگر را نادیده می‌گیرد، مخاطب به‌سرعت متوجه این گزینش هدفمند می‌شود که نتیجه آن، بی‌اعتمادی است».

فقدان نوآوری فنی؛ از رقابت جا مانده‌ایم

در کنار مسائل محتوایی، رضاییان به ضعف‌های تکنیکی و فرمی صداوسیما نیز اشاره می‌کند. او می‌گوید: «صداوسیما در حوزه بسته‌های خبری، مجلات تصویری، پیگیری‌های خبری (فلوآپ‌نیوز) و گفت‌وگوهای چالشی شدیدا ضعیف عمل می‌کند. در نتیجه، مخاطب احساس می‌کند تلویزیون برای او چیزی بیش از یک بازپخش خبرهای کهنه و بی‌جان نیست». او معتقد است که این ضعف تکنیکی، به‌ویژه در عصر رسانه‌های دیجیتال، به‌سرعت منجر به ریزش بیشتر مخاطب خواهد شد: «کاربر امروزی ابزارهای متعددی برای دریافت اطلاعات دارد. اگر رسانه رسمی نتواند فراتر از فضای دیجیتال خلاقانه و چالشی عمل کند، از دور رقابت خارج می‌شود».

سیاست‌گذاری فردمحور

در ادامه، سیدمحمدعلی ابطحی، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز نیز در گفت‌وگویی تند و صریح، نقدهای جدی به عملکرد صداوسیما وارد کرده است. او با طعنه‌ای گزنده می‌گوید: «صداوسیما معصوم نیست که بخواهد درباره همه چیز نظر قطعی بدهد. یک نفر پشت سوئیچ نشسته و سلیقه‌اش را اعمال می‌کند. این با رسالت رسانه‌ای در تضاد کامل است». ابطحی معتقد است که تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی، باید به وزیر خارجه واگذار شود، نه به مدیران صداوسیما: «طبیعتا تعیین‌کنندگی سیاست در هر بخشی مربوط به وزیر مربوطه است. اگر کسی بخواهد سیاست‌گذار، اعلام‌کننده، اجراکننده و فهمیدن سیاست خارجه را بداند، طبیعتا باید وزیر امور خارجه را به‌عنوان مستندترین فردی که به این حیطه مسلط است، دنبال کند و او باید تعیین کند که چه چیزی مصلحت هست و چه چیزی مصلحت نیست. پنهان‌کردن مصاحبه او به بهانه‌هایی واهی، توهین به افکار عمومی و بی‌احترامی به مقام رسمی دولت است».

او همچنین عملکرد صداوسیما در برخورد با میهمانان برنامه‌ها را نوعی رفتار قیم‌مآبانه توصیف می‌کند: «وقتی مجری یا خبرنگار طوری رفتار می‌کند که انگار تلویزیون ملک پدری اوست، چه انتظاری از حرفه‌ای‌بودن آن رسانه داریم؟ اینکه بگوید با منت دو فرد دیگر از چهره‌های انقلاب را دعوت کرده‌اند، یعنی عملا شأن افراد را نادیده گرفته‌اند». ابطحی از سیاست‌گذاران پشت‌پرده صداوسیما نیز انتقاد می‌کند و هشدار می‌دهد که این رفتارها به پای نظام نوشته می‌شود: «متأسفم که این رفتارها به نام نظام و رهبری تمام می‌شود. درحالی‌که بعید است رهبری از این تصمیمات جزئی خبر داشته باشد. اما جامعه اینها را به حساب کل نظام می‌گذارد و این خطرناک است». او همچنین گفت: «حقیقتا دلم بیشتر برای کسانی می‌سوزد که زیر آن بمباران، تلاش کردند و زحمت کشیدند و در نهایت این آنتن‌داران و آنتن‌چرخانندگان حق و حیثیت همه آنها را از بین می‌برند».

رسانه‌ای در تقابل با مردم

در جمع‌بندی دیدگاه‌ها، یک حقیقت روشن می‌شود، آن اینکه صداوسیما، امروز از مرجعیت اجتماعی و رسانه‌ای فاصله گرفته است. نه‌فقط به دلیل آنکه رسانه‌های خارجی به مراتب حرفه‌ای‌تر و سریع‌تر عمل می‌کنند، بلکه چون رسانه ملی به جای نمایندگی جامعه، در حال ایفای نقش نماینده بخشی خاص از حاکمیت است. چه از نگاه استادان علوم ارتباطات مانند رضاییان و چه از دید سیاست‌ورزان اصلاح‌طلبی مانند ابطحی، صداوسیما به جای بازتاب دیدگاه‌های گوناگون، در خدمت تثبیت یک روایت رسمی و گزینشی قرار گرفته است؛ روایتی که هر روز بیش‌ازپیش از مردم فاصله می‌گیرد.

پایان راه یا آغاز یک بازسازی ضروری؟

این پرسش امروز در فضای عمومی و دانشگاهی مطرح است که آیا اصلاح صداوسیما ممکن است؟ آیا می‌توان با بازنگری در ساختار مدیریتی، سیاست‌گذاری محتوایی و تکنیک‌های رسانه‌ای، این نهاد را دوباره به رسانه ملی تبدیل کرد؟

پاسخ رضاییان روشن است: «اگر صداوسیما بتواند به «پذیرش دیگری» برگردد؛ رویکرد بی‌طرفی و فراگیری را رعایت کند و ضعف‌های فنی را جبران کند، امکان بازسازی و بازگشت به مرجعیت وجود دارد. اما اگر این روند فعلی ادامه یابد، سقوط بیشتر و فاصله‌گرفتن مخاطب اجتناب‌ناپذیر خواهد بود».

ابطحی نیز با نوعی ناامیدی هشدار می‌دهد: «اگر نهادهای بیرونی که سیاست‌گذاری می‌کنند، به این واقعیت توجه نکنند، صداوسیما به نهادی تبدیل می‌شود که نه اعتبار دارد و نه مخاطب. و این برای کشور و نظام هزینه‌بر خواهد بود».

صداوسیما در دوراهی تاریخی

صداوسیمای ایران در مقایسه با نمونه‌های موفق جهانی مانند BBC یا ZDF که رسانه‌هایی با حفظ استقلال کامل سیاسی، تنوع دیدگاه‌ها و پوشش متوازن موضوعات هستند و اعتماد عمومی را به دست آورده‌اند، با چالش‌هایی جدی نظیر نفوذ سیاسی، کمبود تنوع دیدگاه‌ها و ضعف‌های تکنولوژیکی مواجه است. این مشکلات باعث شده بخش درخورتوجهی از مخاطبان، به‌ویژه نسل جوان، به سوی رسانه‌های جایگزین به‌ویژه در فضای دیجیتال گرایش پیدا کنند.

با این حال، راه بازسازی و اصلاح رسانه ملی ایران همچنان باز است و کارشناسان معتقدند با اجرای چند گام کلیدی می‌توان اعتماد و مرجعیت از دست رفته را دوباره به دست آورد: «تشکیل ساختار مدیریتی مستقل و شفاف، شامل هیئت امنایی متشکل از دانشگاهیان و نمایندگان مردم، به منظور کاهش نفوذ سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها؛ اصلاح خط‌مشی محتوایی با تأکید بر بی‌طرفی، پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و پوشش متوازن موضوعات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛ تقویت بخش‌های فنی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای جذب مخاطبان جوان و تولید محتوای جذاب و تعاملی؛ شفاف‌سازی منابع مالی و کاهش وابستگی صرف به بودجه دولتی به گونه‌ای که استقلال رسانه حفظ شود؛ گسترش مشارکت مخاطبان و پاسخ‌گویی مستمر به خواسته‌ها و بازخوردهای آنها». صداوسیما امروز در یک دوراهی تاریخی قرار گرفته است؛ یا باید به رسالت خود که انعکاس صدای ملت با همه تنوع فکری و سیاسی است بازگردد یا به ابزار بی‌اعتمادی بدل شود.

سهم اصلی این بازگشت در گرو تغییر در نگاه سیاسی و مدیریتی است؛ نگاه به رسانه به‌عنوان نهادی مستقل، پاسخ‌گو و متعهد به مخاطب ملی، نه به‌عنوان دستگاه تبلیغاتی یک جناح یا ارگان خاص.

در نهایت، بحران کنونی صداوسیما را می‌توان فرصتی برای بازنگری و اصلاح بنیادین دانست. اگر مدیران و سیاست‌گذاران رسانه‌ای با اراده و صداقت گام‌های لازم را بردارند، رسانه ملی ایران قادر خواهد بود جایگاه مرجعیت و اعتماد سابق را بازسازی کند و به‌عنوان صدای واقعی و فراگیر ملت، نقش مؤثری در تحولات اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا کند.

شروط تهران و سیاست فشار آمریکا در مسیر مذاکرات هسته‌ای:

نقشه راه تهران برای گفت‌وگو

وحیده کریمی: دیپلماسی به‌عنوان راه‌حلی برای عبور از بحران و شعله‌ور شدن مجدد جنگ، در شرایط پیچیده‌ای قرار گرفته است و ایران با تأکید بر جبران خسارت و تضمین امنیتی، پیش‌شرط‌های مهمی برای ازسرگیری گفت‌وگوها تعیین کرده و آمریکا، با رد این مطالبات، همچنان سیاست فشار و تحریم را ادامه می‌دهد. این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند راه مذاکره باز است، اما بدون عبور از موانع بنیادی اعتماد و مصالحه سیاسی، امکان عبور از بن‌بست فعلی بسیار دشوار است. در روزهای پرتلاطم پسا جنگ ۱۲روزه، مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا در استانبول در روزهای گذشته، نشانی بود از این واقعیت که عرصه دیپلماسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وارد مرحله‌ای حساس و پرتنش شده است. این مذاکرات که می‌تواند سرآغاز مسیر جدیدی در تعاملات سیاسی و امنیتی ایران با جهان باشد، در حالی رخ داد که روابط ایران و ایالات متحده به‌شدت پیچیده و پرچالش است و هرگونه احتمال آغاز مذاکرات حتی غیرمستقیم میان دو کشور با موانع جدی روبه‌رو است و حتی مذاکرات با اروپا هم نتوانست مسیر را برای آغاز گفت‌وگو میان دو کشور تسهیل کند.

درخواست ایران: جبران مالی و تضمین امنیتی

در مرکز این پیچیدگی‌ها، موضع صریح و شفاف سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و چهره کلیدی دیپلماسی هسته‌ای ایران، قرار دارد. عراقچی بارها تأکید کرده است که برای آغاز هرگونه مذاکره‌ای با آمریکا، تهران نیازمند اقداماتی واقعی و ملموس در زمینه اعتمادسازی است. این اقدامات نه‌تنها باید شامل جبران خسارت‌های مالی حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران باشد، بلکه باید تضمین‌های قوی درباره تکرارنشدن این نوع اقدامات نظامی در طول روند مذاکرات نیز ارائه شود. این موضع‌گیری عراقچی با سؤالی محوری همراه است: «چرا آمریکا در میانه مذاکرات به ما حمله کرد؟»؛ پرسشی که ضمن تأکید بر نپذیرفتنی بودن این اقدام، مسیر مذاکرات را مشروط به تغییر رفتار آمریکا می‌داند. عراقچی همچنین بر لزوم یافتن راه‌حل برد-برد تأکید دارد. این عبارت نشان می‌دهد که ایران به دنبال توافقی است که نه صرفا به منافع خود، بلکه به منافع دو طرف توجه داشته باشد و بتواند بحران هسته‌ای را به گونه‌ای پایدار و پذیرفتنی برای هر دو طرف پایان دهد.

راه باریک، اما نه غیرممکن مذاکرات

عراقچی تصریح می‌کند که فضای مذاکره «باریک است، اما غیرممکن نیست». این عبارت ضمن اشاره به دشواری‌های فنی و سیاسی پیش‌رو، حامل پیام امیدواری ضمنی است که امکان بازگشت به میز مذاکره و دستیابی به توافق در شرایط حساس فعلی همچنان وجود دارد. با این حال، وزیر امور خارجه ایران شفاف می‌گوید که راه‌حل نظامی برای برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد و جمهوری اسلامی به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود پایبند است. او تأکید می‌کند که دکترین ایران براساس فتوای ۲۰ ساله رهبر انقلاب که توسعه سلاح هسته‌ای را ممنوع کرده، استوار است و این سیاست تغییر نخواهد کرد.

بی‌اعتمادی تاریخی و شروط تهران برای مذاکره

این اعتماد پایین میان دو طرف به‌ویژه پس از اقدام دونالد ترامپ در لغو توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) که با دولت اوباما امضا شده بود، عمیق‌تر شده است. عراقچی به‌صراحت بیان می‌کند که تا زمانی که واشنگتن خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم باشد، توافقی در کار نخواهد بود. تهران اعلام کرده است که حاضر به پذیرش «غنی‌سازی صفر» نیست، اما آماده است در فضای مذاکرات، استدلال‌های دو طرف مطرح شود و راهکارهایی پیدا شود. این موضع نشان‌دهنده تعادل حساس بین انعطاف‌پذیری سیاسی و حفظ خطوط قرمز ملی است که ایران در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند.

موضع سخت آمریکا؛ آماده مذاکره بدون جبران خسارت

در سوی مقابل، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به طور رسمی هرگونه درخواست ایران برای پرداخت غرامت بابت حمله به تأسیسات هسته‌ای را «نپذیرفتنی» خواند، اما اعلام کرد که واشنگتن همچنان آماده گفت‌وگو است. این تناقض آشکار میان رد قاطع جبران خسارت و اعلام آمادگی برای مذاکرات، فضای متشنجی را در روابط دو طرف ایجاد کرده است. همچنین اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، مبنی بر اینکه ممکن است ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر بگیرد و ظرفیت‌های هسته‌ای نابود شده است، حاکی از رویکرد فشار حداکثری و تداوم سیاست‌های خصمانه واشنگتن است.

تشدید تحریم‌ها؛ ابزاری برای فشار بیشتر

در ادامه سیاست‌های خصمانه، وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه شبکه‌ای از افراد و نهادها در ایران و چند کشور آسیایی وضع کرده است که به گفته واشنگتن، در تأمین فناوری برای برنامه پهپادی ایران نقش داشته‌اند. این تحریم‌ها بخشی از تلاش‌های مستمر آمریکا برای محدودکردن قابلیت‌های نظامی و فناورانه ایران تلقی می‌شود و نشان‌دهنده استمرار سیاست فشار حداکثری در دوره کنونی است.

چشم‌انداز دیپلماسی ایران و آمریکا؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

با توجه به همه این موارد، چشم‌انداز دیپلماسی میان ایران و آمریکا با وجود احتمال‌های محدود، بسیار چالش‌برانگیز است. درخواست ایران برای جبران خسارت و تضمین تکرارنشدن حملات، شروط مهمی است که آمریکا تاکنون حاضر به پذیرش آنها نشده است. از سوی دیگر، ایران با حفظ خطوط قرمز خود، فضای مذاکرات را به‌عنوان فرصتی برای حل بحران هسته‌ای می‌بیند.

آغاز مذاکرات ایران و اروپا در استانبول می‌توانست به‌مثابه فرصتی برای بازتعریف دیپلماسی منطقه‌ای و شاید بازشدن درهای جدیدی برای گفت‌وگوهای پیچیده‌تر میان تهران و واشنگتن باشد؛ با این حال، تا زمانی که تنش‌ها و مواضع دو طرف این‌چنین متضاد باقی بماند، چشم‌انداز موفقیت مذاکرات غیرمستقیم چندان روشن نخواهد بود.

گزارش

سرپرست سفارت ایران در کابل: در سیاست خارجی، همسایگی گفتمان برتر است

سرپرست سفارت جمهوری اسلامی ایران در افغانستان درباره اینکه برخی از اتباع اظهار داشته‌اند که صاحبخانه یا کارفرما پول رهن یا دستمزد آنان را نپرداخته‌اند، توضیح داد: در وزارت کشور سازوکاری مشخص شد که صاحبخانه و یا کارفرما و نیز نماینده طرف افغانستانی هم حضور داشته باشد تا این مسئله تعیین‌تکلیف شود.

علیرضا بیگدلی، سرپرست سفارت کشورمان در کابل، در گفت‌وگو با تلویزیون یک افغانستان ضمن بیان اینکه روابط ایران و افغانستان ریشه در تاریخ و فرهنگ مشترک آنها دارد و این دو کشور با یکدیگر تمدن‌سازی کرده‌اند، اظهار داشت: در سیاست خارجی، گفتمان همسایگی، گفتمان برتر است و ما وظیفه داریم این سیاست را تبیین کنیم. او افزود: البته همسایه‌بودن همیشه خیر ندارد؛ مشکلات مرزی، مشکلات مربوط به آب، قاچاق و... نیز از جمله مسائلی است که کشورهای همسایه با آن مواجه می‌شوند، حتی بسیاری از جنگ‌ها در دنیا میان همسایه‌ها اتفاق افتاده است. این دیپلمات کشورمان در پاسخ به این سؤال که بسیاری از اتباع افغانستان که در ایران ملکیت داشتند اما رهن و اجاره خود را دریافت نکرده ناچار به بازگشت شدند، گفت: وقتی جنگ شروع شد موج بلندی از مهاجرین در مرز آماده شدند و در دو طرف کسی آمادگی چنین شرایطی را نداشت و با ملاقاتی که با امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه حکومت سرپرست افغانستان داشتم، گفت ۳۶ هزار نفر به کشور بازگشته‌اند و با ویدئویی که نشان دادند بنده با فرماندار تایباد تماس گرفتم و این موضوع تأیید شد، ما پنج روز در مرز بودیم و مقامات دو کشور با یکدیگر ملاقات داشتند.

بیگدلی تصریح کرد: برخی از اتباع اعلام کردند که یا کارفرما یا صاحبخانه پول و دستمزد آنان را نپرداخته‌اند، این مسئله مورد پیگیری قرار گرفت و متوجه شدیم برخی به آنها گفته‌اند شرایط جنگی است و فعلا پولی در اختیار ندارند، زیرا قرارداد مثلا پایان سال بوده لذا مهلت خواسته‌اند. از این رو در وزارت کشور سازوکاری مشخص شد که صاحبخانه یا کارفرما، نماینده طرف افغانستانی هم حضور داشته باشد و این مسئله تعیین‌تکلیف شود.

سرپرست سفارت ایران در افغانستان تصریح کرد: همچنین وقتی ملا حسن آخوند، رئیس‌الوزرای افغانستان، اعلام کرد تدریج و احترام در بازگشت مهاجران انجام شود، جمهوری اسلامی ایران پاسخ داد که ما به درخواست مقامات افغانستان احترام می‌گذاریم.

او همچنین اظهار داشت: برخی مطالب در مورد تعدادی از اتباع افغانستان مطرح شده که در زمان جنگ چند نفر خلاف‌هایی مرتکب شده بودند و اینها موضوعاتی است که به سرویس‌های امنیتی مربوط است و من به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران اطلاعی از وقوع چنین مسائل ندارم.

بیگدلی خاطرنشان کرد: از دولت و مردم افغانستان تشکر می‌کنیم که در جنگ ۱۲روزه از ابتدا موضع‌گیری دقیق نسبت به تحولات که در ایران در حال رخ‌دادن بود آن را محکوم کردند، حتی روزی که آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد این مسئله نیز محکوم شد.

این دیپلمات کشورمان درباره اینکه روسیه امارت اسلامی را به رسمیت شناخته، آیا ایران در این باره برنامه دارد یا خیر، گفت: ما در مسیری با افغانستان هستیم که مسیر تعامل و توسعه و گسترش روابط است، موضوع شناسایی هم باید از سوی سیاست‌مداران ما انجام شود، لذا یک روند حقوقی است که در زمان خود انجام می‌شود. اگر یک کشور شناسایی کرده، بقیه نیز در نوبت هستند. امیدواریم ما هم در نوبت خود انجام دهیم.